

کودکان کار

علل شکل گیری و گسترش

این پدیده در جوامع شهری ،

ضرورت مبارزه با علل پدیدآورنده

فروغ سمیع نیا

است. بازار کار نیز رغبت بیشتری به استفاده از کودکان به عنوان نیروی کار ارزان و مطیع دارد و بابت این نیروهای کار نیز محور به پرداخت به بیمه و سایر ارگانهای دولتی نیست. همچنین تعداد زیادی از این کودکان به دستفروشی روی می آورند که در بازار بیمار ایران جایگاهی مخصوص به خود یافته است. در این میان کودکان مهاجر افغانستانی از تبعیضی چند جانبه رنج می برند که خود بحثی دیگر را می طلبد.

از دیگر عوامل مسأله کار کودکان عامل فرهنگی و نبود قانونی کارآمد برای پیشگیری از کار کودکان و حمایت از آنان است. بنابر پیشینه فرهنگی، پدر خانواده می تواند برای آینده و نحوه زندگی فرزند تصمیم گیری کرده و قانون در این موضوع از پدر - حتی معتاد به مواد مخدر نیز - حمایت می کند. همچنین قانونی که کودکان را از کار منع کند، هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد.

بازماندن از تحصیل از آسیبهای اولیه ای است که کودکان کار با آن مواجه می شوند. ترک تحصیل و نبود آموزش برای این کودکان نه تنها موجب آسیبهای جدی به ایشان شده، بلکه مشکل جدی تری را برای جامعه ایجاد می کند که همانا حضور جوانانی بدون تحصیلات و آموزش در آینده و قرار گرفتن آنان در معرض انواع آسیبهای اجتماعی و به تبع آن افزایش بزهکاری است.

در حقیقت بیشتر مشکلات اجتماعی و آمار بالای خشونت در جامعه، نتیجه همین نادیده گرفتنهاست و عدم آموزش به موقع کودکان می تواند اثرات مخربی را برای اجتماع به دنبال داشته باشد.

کار کودکان علاوه بر عدم دسترسی آنان به آموزش و پیامدهای آن، آمار بالای بیماری جسمی و روانی برای این کودکان، تشدید مشکلات اقتصادی در بازار و آمار بالای بزهکاری و اعتیاد را در آنان به دنبال دارد. در سال ۷۳ ایران پیمان نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفت و طبق مفاد این پیمان نامه، کودکان نباید مورد تبعیض قرار بگیرند و از آموزش و بهداشت محروم شوند. بر طبق ماده ۳۲ این کنوانسیون کشورهای عضو موظفند هر عملی را علیه استثمار اقتصادی، انجام کارهای زیانبار، توقف در آموزش، جلوگیری از بهداشت روحی و جسمی و خلل در پیشرفت اجتماعی کودکان، مورد حمایت قرار دهند. ۲. کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات لازم قانونی، اجرائی، اجتماعی و آموزشی را در جهت تضمین اجرای این ماده به عمل خواهند آورد. در این راستا، و



طراح: مهفام زهت شفا

اگر در شهرها و خصوصاً شهرهای بزرگ مشغول عبور از خیابان باشید و نیم ساعتی را به گشت در شهر اختصاص دهید، حتماً با کودکانی برخورد خواهید کرد که مشغول به دستفروشی و پاک کردن شیشه ها و یا کار در مغازه ها و رستورانهای کوچک و بزرگ هستند. ساعتی را که جامعه باید صرف آموزش و تربیت آنان کند، به بهره برداری از نیروی کار آنان می گذرد. در جوامع روستایی نیز کودکان مشغول کار در مزارع هستند و ساعات زیادی از روز را به کمک در کار کشاورزی می پردازند. البته در جوامع روستایی نیز این امر شامل خانواده های طبقات پایین روستا می شود و مانند سابق همه کودکان را دربر نمی گیرد. در واقع کار کودک که سابق بر این در روستا امری عادی محسوب می شد و در واقع کارکرد تولید مثل در روستاها بود، امروزه به امری طبقاتی تبدیل شده است. اما کودکان کار چه کسانی هستند و آیا در تعریف جهانی همه این کودکان را شامل می شود؟ چه عواملی باعث بروز این پدیده و افزایش آن در کشور و همینطور استان گیلان شده است؟

به کودکان کارگری که به صورت پایدار و مداوم به خدمت گرفته شوند کودکان کار می گویند. آنان به صورت آزاد یا خیابانی، نیمه وقت و تمام وقت، فصلی و روزمزد مشغول به کار هستند. در ایران و بیشتر کشورهای جهان کار کودک، اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال را شامل می شود. در این میان یکسری از کودکان کار که سرپناهی ندارند شب را در خیابان می گذرانند و گروهی دیگر از کودکان پس از کار به خانه های خود که در حاشیه شهرهاست باز می گردند.

بهره گیری از کودکان در بازار کار ریشه در عوامل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی دارد. فقر و اعتیاد در خانواده های فرودست در جامعه، باعث می شود که از کار کودک برای بقای خانواده استفاده شود. ضعف ساختارهای اقتصادی باعث شده که بسیاری از نیروهای کار نتوانند در ساختار بیمار جامعه راهی برای کسب درآمد بیابند. بیکاری و اعتیاد باعث استفاده از کودکان برای کسب درآمد و تامین معاش خانواده شده

با توجه به مواد مربوطه در سایر اسناد بین المللی، کشورهای طرف کنوانسیون خصوصاً موارد ذیل را مورد توجه قرار خواهند داد:

الف) تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای انجام کار.

ب) تعیین مقررات مناسب از نظر ساعات و شرایط کار.

ج) تعیین مجازاتها و یا اعمال سایر ضمانتهای اجرایی مناسب جهت تضمین اجرای مؤثر این ماده. با گذشت ۲۲ سال از امضای کنوانسیون، هنوز اقدام مثبتی در جهت حمایت از کودکان کار نشده است.

کودکان زیادی همچنان از حق تحصیل محرومند و حقوق ابتدایی آنها رعایت نمی شود. با وجود برگزاری سمینارهای مختلف و صرف هزینه جهت بررسی وضعیت کودکان حضور آنان در خیابانها روز به روز افزایش می یابد.

ضمناً کودکان عموماً در حوزه های غیررسمی به کار گرفته می شوند. و همین مسأله باعث شده که دولت هیچگونه نظارتی بر کار آنان نداشته باشد. تعیین حداقل سن و تعیین مقررات مناسب کار زمانی معنا می یابد که حوزه کار، رسمی باشد و تحت نظارت دولت عمل کند؛ مسأله این است که فعالین حوزه کودک معتقدند اساساً کار کودکان باید ملغی شود و پذیرش کار کودک و تعیین مقررات از سوی دولت به معنای پذیرفتن کار آنان و رسمیت بخشیدن به کار کودکان است که خود ناقض حقوق این کودکان است. فعالین حقوق کودک از این زاویه به نفس وجود قوانین برای کار کودک نیز قویاً منتقدند. ولی در حقیقت الغای کار کودک بدون در نظر گرفتن شرایط زندگی در کشوری با میزان بالای فقر و عدم حمایت از کودکان فقیر جامعه و نبود مؤسساتی برای پشتیبانی از آنان میسر نیست؛ و کودکانی بی پناه را در جامعه به جا می گذارد که چاره ای جز کار کردن ندارند. در حقیقت برای الغای کار کودک ابتدا باید به ترمیم زیرساختها پرداخت.

با افزایش فقر و بیکاری در جامعه در سالهای اخیر تعداد کودکان کار افزایش چشمگیری داشته است و این مسأله به وضوح در خیابانهای شهرهای گیلان نیز دیده می شود. هر چند خبرگزاری ایسنا در سال ۹۳ از کاهش تعداد کودکان خیابانی در استان گیلان خبر داد و تعداد کودکان کار استان گیلان را ۲۷ نفر اعلام کرد، اما مشاهدات شهروندان آمارهای اینچنینی را نقض می کند. و در واقع همین نادیده انگاشتنها ریشه عدم حل مشکلات و افزایش تعداد این کودکان است. با گذشت ۲ سال از خبر فوق، امسال خبرگزاری تسنیم از تأسیس ۹ واحد شبانه روزی برای کودکان کار در استان گیلان خبر داد که خود آمار ۲۷ کودک را نقض می کند و یا نشان می دهد که طی دو سال اخیر تعداد این کودکان در استان گیلان به طور بی شائبه ای افزایش داشته است. با این وجود در تمام آمارها و توضیحات فوق، کودکانی که در روستاها مشغول به کارند را شامل نمی شود و موضوع کار کودکان در رسانه ها و سازمانهای مربوطه، مختص به کودکان شهری است.